



یادگاه عالمان دین | ۶ |

عالمی مجاهد، مبلغی خدمت‌گزار و اسوهای از تقوا و مردمی

مروری بر حیات علمی و اجتماعی

آیت‌الله حاج شیخ ولی‌الله رسکتی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

• تولد و تحصیلات

آیت‌الله حاج شیخ ولی‌الله رسکتی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ از عالمان مجاهد و مبلغان خدمت‌گزار دین در خطه لاله‌پور مازندران است که در سال ۱۳۰۶ شمسی در روستای رسکت واقع در دهستان پریم بخش دودانکه ساری در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشود. پدرش ملاعلی، فرزند آخوند ملامحمد، همگی از عالمان و مبلغان آن خطه به‌شمار می‌رفتند. خاندان رسکتی، از خاندان ریشه‌دار و اصیل منطقه به‌شمار می‌آیند. شیخ ولی‌الله رسکتی بعد از رشد و نمو وارد مکتب‌خانه شد و خواندن قرآن و نوشتن فارسی را به‌خوبی فرا گرفت و آنگاه جهت فراگیری علوم الهی وارد شهر ساری مرکز استان مازندران گردید و در مدرسه امامیه این شهر سکتی گزید و مقدمات علوم دینی را در نزد بزرگان فرزانه همانند آیات: شیخ مصطفی صدوقی، سیدرضا سعادت و محمدعلی زهدی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ فراگرفت و آنگاه جهت ادامه تحصیل و بهره‌مندی از دانش اساتید بزرگ حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۲۳ شمسی وارد این شهر مذهبی گردید.

سطوح متوسطه و عالیه را از محضر حضرات آیات: سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، حاج شیخ علی مشکینی و حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ به پایان رسانید و پس از تکمیل دوره سطح، دروس خارج فقه و اصول را از محضر بزرگان فرزانه همانند حضرات آیات: سیدحسین طباطبایی بروجردی، سیدروح‌الله موسوی خمینی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و دیگران رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ بهره‌مندگردید و هم‌زمان نیز از دروس علوم عقلی از محضر بزرگان نامداری همچون شیخ مهدی امامی مازندرانی و علامه سید محمدحسین طباطبایی صاحب تفسیرالمیزان رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ بهره‌های شایانی برد و در سال ۱۳۳۶ شمسی با دعوت اهالی متدین پل سفید و به امر و دستور حضرت آیت‌الله بروجردی به آن منطقه عزیمت نمود که تا پایان عمر شریف خود، منشأ خدمات و برکات فراوان در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی گردید که شمه‌ای از خدمات و اوصاف آن مبلغ راستین دین را ذیلاً‌اشاره می‌کنیم:

• چگونگی مراجعت به مازندران

وی در پاسخ سؤال یکی از علما که حضرت‌عالی چه سالی به پل سفید تشریف آوردید و جریان استقرارتان در پل سفید از چه قرار رود؟ این‌گونه فرمودند: سال ۱۳۳۶ شمسی در زمان مرجعیت مرجع عظیم‌الشان جهان تشیع آیت‌الله‌العظمی بروجردی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ، اهالی و مؤمنین پل سفید در آن زمان نامه‌ای به محضر ایشان نوشتند و از ایشان تقاضا نمودند که بنده را به پل سفید برای تبلیغ و ترویج و اقامه نماز جماعت در مسجد جامع پل سفید

بعضی از نزدیکان بارها با چشمان خود دیده‌اند و بارها شاهد بی‌قراری و شیدایی ایشان در دل شب بوده‌اند و سحرهای بی‌شماری با صدای گریه و مناجات او از خواب برخاسته‌اند. کار هر شب حاج آقا این بود، دو ساعت به اذان صبح بیدار و بی‌قرار و مشغول خواندن نوافل و عشق‌بازی با باری‌تعالی و زمزمه العفو العفو بود. دائم‌الذکر بود و به کتب ادعیه علاقه وافری داشت و تمام دستورالعمل‌های عبادی کتب ادعیه عمل می‌کرد و نیز از فلاح‌السائل و اقبال و زادالمعاد مراجعه می‌کرد و از آنها نیز بهره می‌برد.

• احتیاط در امور مالی

او با اینکه به‌دلیل زندگی ساده طلبگی پس‌انداز خاصی نداشت؛ ولی برای خود سال خمسی تعیین کرده بود و هر سال اجناس مانده در منزل را با دقت حساب کرده و خمس آن را در سر سال پرداخت می‌کرد و گاهی مبلغی را احتیاطاً رد می‌کرد که مبدا سهم امام یا سادات به گردن‌شان مانده باشد. ایشان نسبت به مسأله خمس بسیار حساس و مقید بود. روی منابر، بحث خمس و احکام شرعی آن را برای مردم بیان نماید تا مبدا درآمد زندگی مردم مشکل پیدا کند. وی وجوهات جمع‌آوری‌شده را به‌دقت به دفاتر مراجع تقلید تقدیم کرده و رسید آنان را به مقلدین‌شان می‌رساند.

• انس با قرآن و ادعیه

آیت‌الله حاج ولی‌الله رسکتی، قرآن را در نزد جلدش آخوند ملامحمد فرا گرفته بود و در تمام دوران زندگی انس با قرآن داشت. هر روز یک جزء از قرآن را تلاوت می‌کرد و ثواب آن را به معصومین رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ هدیه می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که هر ماه یک ختم قرآن داشت؛ اما در ماه مبارک رمضان پنج‌بار قرآن را ختم می‌کرد و به مردم هم سفارش تلاوت قرآن می‌کرد و تأکید داشت، تلاوت قرآن در اتقاء و سعادت‌مندی بشر تأثیرگذار است.

وی تمام آداب و مستحبات تلاوت قرآن را مراعات می‌کرد. وی همچنین مقید بود که زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام و همراه با دعای علقمه بخواند و این کار را تا آخرین لحظات حیات خود تداوم ببخشد.

• آداب و صفات مردمی

آیت‌الله رسکتی فردی متواضع، خوش‌اخلاق و بدون غرور بود که با مردم از تمام اقشار جامعه به‌صورت صمیمی و دوستانه رفتار می‌کرد. او با گشاده‌رویی و شوخی، ملاقات‌ها را برای مراجعین آسان می‌ساخت و به‌دلیل مردمی بودن و ساده‌زیستی، نفوذ زیادی در جامعه داشت. وی به حفظ پیوندهای خانوادگی اهمیت ویژه می‌داد و به‌ویژه به خویشاوندان نیازمند توجه می‌کرد.

در واقع رمز نفوذ او در جامعه و مردم همانا، مردمی و خاکی‌بودنش بود و جاذبه فوق‌العاده‌ای داشت.

وی در صله ارحام و خویشاوندان بسیار موفق بود و نسبت به فامیل و ارحام توجه خاصی داشت و خصوصاً به سلسله جلیله روحانیت و سادات احترام ویژه‌ای قائل بود. نقل می‌کنند: سالی همه اعضای فامیل به مدیریت آن فقید سعید اعظم مشهد مقدس شدند. در همین سفر بود که آن مرحوم دستور داد، خاله پیر خودشان که از سادات و علویه بوده و بدون سرپرست و دارای ثقل سامعه(کم‌شنوا) و نیز از لحاظ مادی بسیار فقیر بود، همراه خود به مشهد مقدس ببرند. برخی از همراهان مخالفت کردند؛ ولی ایشان اصرار داشت که او را با خود به زیارت می‌بریم و پرند و از زیارت به سلامتی برگشت و حتی برای او سوغاتی هم تهیه نمودند. این سیده علویه همواره تا پایان عمرش دعاگوی وی بود و این سفر زیارتی را فراموش نکرد و همواره مسرور و خوشحال بود.

• درس زندگی

آیت‌الله رسکتی در فعالیت‌های اجتماعی و انقلابی نقش برجسته‌ای داشت. وی همراه آیت‌الله نظری به جبهه‌های جنگ برای حمایت از رزمندگان اعزام شد. در جمع‌آوری کمک‌های مردمی و امدادسانی به مناطق زلزله‌زده رودبار مشارکت کرد، و از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ ریاست بنیاد شهید سوادکوه را بدون دریافت حقوق برعهده گرفت. او در این مدت خدمات گسترده‌ای به خانواده‌های شهدا ارائه داد، در مراسم تشییع و نماز شهدا شرکت فعال داشت، و بیش از دو هزار منبر و خطابه بدون چشمداشت مالی برگزار کرد. رسکتی همواره تأکید می‌کرد که جامعه مدیون خون شهدیان و خانواده‌های آنان است. عطاءالله رسکتی در این‌باره می‌گوید: در سال ۱۳۶۴ در اداره مخابرات ساری انجام وظیفه می‌کردم. روزی بعداز ظهر از نگهبانی اداره زنگ زدند که حاج آقایبی کاری با شما دارند. با سرعت به دم در رفتم دیدم، اخوی گران‌مایه و روشنی چشم و جان من، آیت‌الله رسکتی تشریف‌فرما شد. به‌اتفاق وارد اتاق محل کارم شدیم. گفت: به بنیاد

• عبادت و بندگی

مستحبات را با آداب آن انجام می‌داد. روزه‌داری ایشان در ماه‌های رجب و شعبان علی‌رغم کهولت سن تا سن ۹۲ سالگی، تداوم داشت. عطاءالله رسکتی در این باره می‌نویسد: دوستان و فامیل و

بعضی از نزدیکان بارها با چشمان خود دیده‌اند و برای احداث ساختمان خانواده شهید احتیاج داریم! سؤال کردم: آیا تنها آمدید؟ با چه وسیله‌ای تشریف آوردید؟ گفت: با ماشین کرایه! عرض کردم: چرا با ماشین بنیاد تشریف نیاوردید؟ حضرت‌عالی رئیس بنیاد شهید سوادکوه هستید، اتومبیل و راننده در اختیارتان هست و این حق مسلم و حتمی شماست. با توجه به اینکه یک‌ریال از حقوق و مزایا بنیاد استفاده نمی‌کنید؟ گفت: عطاء‌جان من کار شخصی داشتم. بعد از انجام کارم؛ چون دسترسی به تلفن نداشتم، با خودم گفتم: خوب است بروم پیش عطاء و به بنیاد زنگ بزنم و درخواست خود را مطرح نمایم. عرض کردم: حاج آقا از پل سفید موقع حرکت درخواست خود را از بنیاد مطرح می‌کردی و به کارشان رسیدگی می‌کردی و در کنار آن هم به کارهای شخصی خود می‌رسیدی. تنها یک جمله گفت: خداوند به نیت و اعمال و کردار ما باخبر است؛ یا للعجب دقت و لطافت در امور بیت‌المال تا اینجا!!

• ذی‌طلبگی برایم افتخار است

استاندار وقت مازندران تصمیم گرفت، به روحانیت منطقه که دارای مسئولیتی هستند، جهت نیازهای مردم و شخصی یک دستگاه اتومبیل به قیمت دولتی بدهد. به حاج آقا رسکتی اعلام کردند که می‌تواند، یک دستگاه اتومبیل دریافت کند. وی گفت: من یک طلبه هستم و ذی‌طلبگی برای من افتخار است و اگر قرار باشد، اتومبیل مجانی با راننده تحویل اینجانب بدهند، من هرگز نخواهم پذیرفت و اصولاً چنین انتظاری از هیچ‌کس ندارم و از طرفی، چنین طرحی را قبول ندارم. چه خوب است جامعه روحانیت اصیل، متکی به خودشان باشند و وابستگی برای خود ایجاد نکنند و لذا از دریافت آن معذوم.

• ردکردن هدایای دربار

در سال‌های ۱۳۴۳ شمسی از طرف دربار منحوس پهلوی برای علما و ائمه جماعت منطقه، مبلغ پول و عبای نفیس و هدایا دیگری می‌فرستادند. شخصی از مقامات عالی‌رتبه دربار به محضر آیت‌الله رسکتی رسید و با چرب‌زبانی و مماشات، خواست هدایای قبیق را به ایشان بدهد که ایشان آن را نپذیرفت. اصرار از آن شخص و انکار از ایشان؛ حتی تهدید کرد و گفت: شما هدایا را بگیرید و به خادم مسجد و یا هر که صلاح می‌دانید، بدهید. قصد و نیت دستگاه، لکه‌دار نمودن روحانیت و خریدن و متمایل کردن آنان به رژیم پهلوی بود؛ در صورتی که هیچ‌گونه انعطافی از ناحیه حاج آقا صورت نگرفت؛ بلکه تنفر و انحراشان به حکومت بیشتر شد.

• ردکردن آئین نیایش برای شاه

هرساله در ۲۱ فروردین مراسم آئین دعا و نیایش به‌شکرانه سالامتی شاه که از یک سوء‌قصد در سال ۱۳۴۴ در کاخ مورم جان سالم به در برده بود، در یادگان دواب سوادکوه باحضور فرماندهان عالی‌رتبه برگزار می‌شد و سخنران جلسه را حاج آقا رسکتی در نظر می‌گرفتند و هر سال با جیب ارتش و افسر مربوطه به سراغ حاج آقا می‌آمدند؛ ولی حاج آقا خود را به تمارض زده و وزیر بار نمی‌رفت. یک سال حلقه محاصره را تنگ‌تر کرده و به سراغ حاج آقا آمدند؛ اما ایشان به یکی از روستاهای صعب‌العبور رفت. مأموران پس از اطلاع به سمت همان روستان رفته و در میان راه به او رسیدند و گفتند: باید برگردید و بسیار خواهش کردند که مجلس مهم دعا و نیایش داریم و کسی جز شما را نداریم. ایشان گفت که من هم در روستا مراسم دارم و اهالی منتظر من هستند و حتماً باید بروم و لاغیر. تهدید و تطمیع آنان نتیجه نداد و بدون نتیجه به یادگان بازگشتند. او هیچ‌وقت در بالای منبر، شاهنشاه را دعا نکرد؛ بلکه در ظاهر و باطن او را لعن و نفرین می‌کرد.

• از دیدگاه دانشوران

۱.امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ در سال ۱۳۸۳ قمری بادست خط مبارک در اجازه امور حسبیّه، وی را این‌گونه ستوده است: جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای حاج شیخ ولی‌الله رسکتی مازندرانی دامت افاضاته از طرف حقیر مجازند...

۲.آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن ایازی

آیت‌الله رسکتی از اوقات زمان هستند و از نظر تقوا و تدبін و پاکی و طهارت سرآمد همه ما هستند و چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، هیچ تغییری در زندگانی ایشان مشاهده نشده. در یک حالت آرامش و سکون و معنویت خاص خودشان هستند، ایشان از آن تیپ انسان‌های وارسته و خدامحور و طلایه‌دار اسلام و اخلاق محمدی است.

۳.آیت‌الله حاج شیخ محمد کوهستانی

آیت‌الله رسکتی و آیت‌الله کوهستانی نسبت به یکدیگر احترام بسیار قائل بودند و هریک نزد دیگری ارج بسیار داشتند. هروقت ایشان به دیدار

شهید استان تلفن بزنید که مقداری چوب نراد برای احداث ساختمان خانواده شهید احتیاج داریم! سؤال کردم: آیا تنها آمدید؟ با چه وسیله‌ای تشریف آوردید؟ گفت: با ماشین کرایه! عرض کردم: چرا با ماشین بنیاد تشریف نیاوردید؟ حضرت‌عالی رئیس بنیاد شهید سوادکوه هستید، اتومبیل و راننده در اختیارتان هست و این حق مسلم و حتمی شماست. با توجه به اینکه یک‌ریال از حقوق و مزایا بنیاد استفاده نمی‌کنید؟ گفت: عطاء‌جان من کار شخصی داشتم. بعد از انجام کارم؛ چون دسترسی به تلفن نداشتم، با خودم گفتم: خوب است بروم پیش عطاء و به بنیاد زنگ بزنم و درخواست خود را مطرح نمایم. عرض کردم: حاج آقا از پل سفید موقع حرکت درخواست خود را از بنیاد مطرح می‌کردی و به کارشان رسیدگی می‌کردی و در کنار آن هم به کارهای شخصی خود می‌رسیدی. تنها یک جمله گفت: خداوند به نیت و اعمال و کردار ما باخبر است؛ یا للعجب دقت و لطافت در امور بیت‌المال تا اینجا!!

• ذی‌طلبگی برایم افتخار است

استاندار وقت مازندران تصمیم گرفت، به روحانیت منطقه که دارای مسئولیتی هستند، جهت نیازهای مردم و شخصی یک دستگاه اتومبیل به قیمت دولتی بدهد. به حاج آقا رسکتی اعلام کردند که می‌تواند، یک دستگاه اتومبیل دریافت کند. وی گفت: من یک طلبه هستم و ذی‌طلبگی برای من افتخار است و اگر قرار باشد، اتومبیل مجانی با راننده تحویل اینجانب بدهند، من هرگز نخواهم پذیرفت و اصولاً چنین انتظاری از هیچ‌کس ندارم و از طرفی، چنین طرحی را قبول ندارم. چه خوب است جامعه روحانیت اصیل، متکی به خودشان باشند و وابستگی برای خود ایجاد نکنند و لذا از دریافت آن معذوم.

• ردکردن هدایای دربار

در سال‌های ۱۳۴۳ شمسی از طرف دربار منحوس پهلوی برای علما و ائمه جماعت منطقه، مبلغ پول و عبای نفیس و هدایا دیگری می‌فرستادند. شخصی از مقامات عالی‌رتبه دربار به محضر آیت‌الله رسکتی رسید و با چرب‌زبانی و مماشات، خواست هدایای قبیق را به ایشان بدهد که ایشان آن را نپذیرفت. اصرار از آن شخص و انکار از ایشان؛ حتی تهدید کرد و گفت: شما هدایا را بگیرید و به خادم مسجد و یا هر که صلاح می‌دانید، بدهید. قصد و نیت دستگاه، لکه‌دار نمودن روحانیت و خریدن و متمایل کردن آنان به رژیم پهلوی بود؛ در صورتی که هیچ‌گونه انعطافی از ناحیه حاج آقا صورت نگرفت؛ بلکه تنفر و انحراشان به حکومت بیشتر شد.

• ردکردن آئین نیایش برای شاه

هرساله در ۲۱ فروردین مراسم آئین دعا و نیایش به‌شکرانه سالامتی شاه که از یک سوء‌قصد در سال ۱۳۴۴ در کاخ مورم جان سالم به در برده بود، در یادگان دواب سوادکوه باحضور فرماندهان عالی‌رتبه برگزار می‌شد و سخنران جلسه را حاج آقا رسکتی در نظر می‌گرفتند و هر سال با جیب ارتش و افسر مربوطه به سراغ حاج آقا می‌آمدند؛ ولی حاج آقا خود را به تمارض زده و وزیر بار نمی‌رفت. یک سال حلقه محاصره را تنگ‌تر کرده و به سراغ حاج آقا آمدند؛ اما ایشان به یکی از روستاهای صعب‌العبور رفت. مأموران پس از اطلاع به سمت همان روستان رفته و در میان راه به او رسیدند و گفتند: باید برگردید و بسیار خواهش کردند که مجلس مهم دعا و نیایش داریم و کسی جز شما را نداریم. ایشان گفت که من هم در روستا مراسم دارم و اهالی منتظر من هستند و حتماً باید بروم و لاغیر. تهدید و تطمیع آنان نتیجه نداد و بدون نتیجه به یادگان بازگشتند. او هیچ‌وقت در بالای منبر، شاهنشاه را دعا نکرد؛ بلکه در ظاهر و باطن او را لعن و نفرین می‌کرد.

• از دیدگاه دانشوران

۱.امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ در سال ۱۳۸۳ قمری بادست خط مبارک در اجازه امور حسبیّه، وی را این‌گونه ستوده است: جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای حاج شیخ ولی‌الله رسکتی مازندرانی دامت افاضاته از طرف حقیر مجازند...

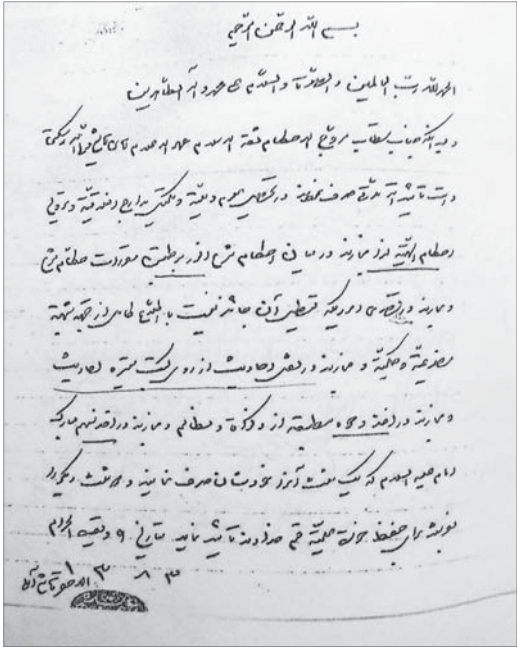
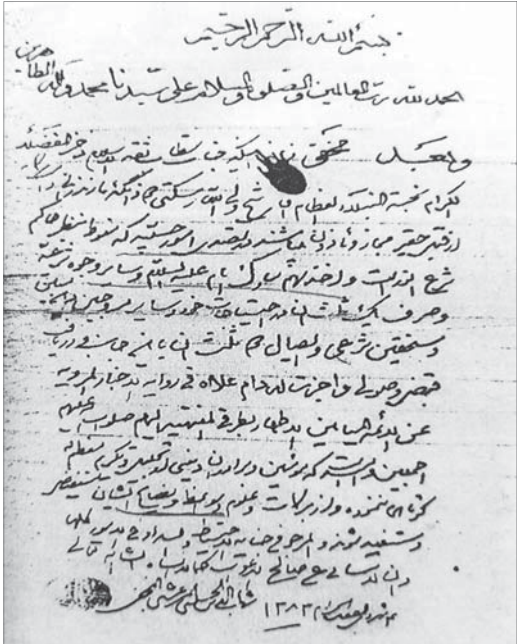
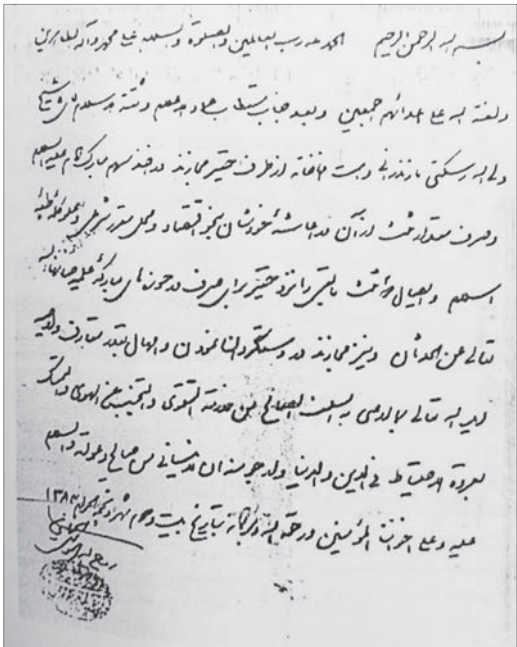
۲.آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن ایازی

آیت‌الله رسکتی از اوقات زمان هستند و از نظر تقوا و تدبін و پاکی و طهارت سرآمد همه ما هستند و چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، هیچ تغییری در زندگانی ایشان مشاهده نشده. در یک حالت آرامش و سکون و معنویت خاص خودشان هستند، ایشان از آن تیپ انسان‌های وارسته و خدامحور و طلایه‌دار اسلام و اخلاق محمدی است.

۳.آیت‌الله حاج شیخ محمد کوهستانی

آیت‌الله رسکتی و آیت‌الله کوهستانی نسبت به یکدیگر احترام بسیار قائل بودند و هریک نزد دیگری ارج بسیار داشتند. هروقت ایشان به دیدار

• ویژه استان هـا / ۹ •



و زیارت آیت‌الله کوهستانی مشرف می‌شد، آقا با آغوش باز او را استقبال می‌کردند و موقع بازگشت ایشان را بدرقه می‌کردند و حتی آن بزرگمرد عرصه علم و عمل و تقوا، اگر مشغول صحبت گفتن با مَدعوین بودند، سخن خود را قطع می‌کردند و از جای خود بلند می‌شدند، چند قدم به استقبال ایشان می‌رفتند و از او نقد به‌عمل می‌آوردند.

۴.آیت‌الله حاج شیخ عبدالله نظری خادم‌الشریعه

آیت‌الله رسکتی سلمان زمان و کوهستانی ثانی هستند. وجود با برکت‌شان مایه افتخار بوده و محیط و منطقه را واکسینه می‌کند. مخصوصاً در مورد احراز مقام شغلی اظهار کردند: از طرف اهالی سوادکوه گزینش و برای امام جمعه پل سفید انتخاب و مراتب را با طوماری از امضاها به دفتر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ فرستادند و منتظر تأیید حکم انتصاب بودند. ایشان می‌گفت: به نمایندگی از هالی و علاقه شخصی خودم نسبت به ایشان، به دفتر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ مراجعه و دلیل تأخیر حکم انتصاب ایشان برای امام جمعه سوادکوه پل سفید را جویا شدم و از طرف دفتر امام خمینی اظهار کردند که حاج آقا! چند روز گذشته آقا شیخ به دفتر مراجعه و عاجزانه و ملتسمانه درخواست لغو حکم خود شد و اظهار کرد: من لیاقت و اهلیت این مقام منیع را ندارم. در منطقه افراد موجه‌تر و مورد اقبال مردم زیاد هستند. چقدر شایسته است، از وجود آن عزیزان در این سمت مهم به‌عنوان امام جمعه سوادکوه استفاده و این حقیر را معذور بدارید.

• ارتحال غم‌انگیز

عالم خدوم ربانی آیت‌الله حاج شیخ ولی‌الله رسکتی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ پس از عمری خدمت به اسلام و مردم منطقه سرانجام در ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۴۲ قمری مصادف با ایام حزن‌انگیز شهادت حضرت زهرا رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ برابر با ۱۱ دی ۱۳۹۹ شمسی دارفانی را وداع گفت و پیکر پاکش با تجلیل فراوان در پل سفید و در کنار مسجد جامع پل سفید آرام گرفت.

• منبع

شرح حال زندگی نامه آیت‌الله حاج شیخ ولی‌الله رسکتی (قرله دیانت)، عطاء‌الله رسکتی تهیه و تنظیم محمددقی ادم‌نژاد